



انضباط اجتماعی
و
نقش آن در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی

مؤلف

دکتر مصطفی اقلیما

مددکار اجتماعی ، مشاوره مسائل فردی - خانوادگی - اجتماعی
استاد یار و عضو هیات علمی دانشگاه

اقلیما، مصطفی، ۱۳۲۷ -

انضباط اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی / مولف مصطفی اقلیما. - تهران: اسپندهنر، ۱۳۸۳.
۲۷۲ ص.

ISBN: 964-7437-36-6 ریال: ۲۵۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۵۰-۲۷۲.

۱. انضباط اجتماعی - جنبه های اجتماعی. ۲. انحراف اجتماعی. الف. عنوان.

۸ الف ۷ الف / ۶۸۳ HM ۳۰۲/۱

۸۳-۳۸۹۳۱ م

کتابخانه ملی ایران



اسپندهنر

- نشانی: خیابان نوفل لوشاتو - خیابان مسعود سعد - بعد از کانون پرورش فکری کودکان - پلاک ۱۶ - طبقه دوم - انتشارات اسپند هنر
- تلفن: ۶۷۲۷۳۳۲-۶۷۲۷۱۳۳-۶۷۲۷۴۰۹-۶۷۲۷۴۰۹-۹۱۲۳۰۴۹۱-۰۹۱۲۳۰۲۹۵۸-۰۹۱۲۱۳۰۵۶۶۲-۰۹۱۲۱۳۸۵۶۶۲
- نام کتاب: انضباط اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی
- گردآوری و تألیف: دکتر مصطفی اقلیما
- حروفچینی و صفحه آرایی: اسپندهنر (مریم صهبا)
- لیتوگرافی: اسپندهنر (لاسمی)
- نوبت چاپ: اول
- تیراژ: ۳۰۰۰
- شابک: ۶-۳۶-۷۴۳۷-۹۶۴
- قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

تقدیم به دو گوهر کراتیهای زندگی ام، پدر و مادر عزیزم:

فرح!... اقلیما، اقدس اعمدی

که بودن و هستی خویش را مدیون ایشان هستم و حلول هستی
ایشان در رگ‌هایم معنای زندگی را به باوری ارزشمند مبدل ساخته و
دمیدن نفس‌هاشان در کالبدم امید و عشق را بر چهره زندگی
نقش آگین ساخته است و در پناه زیستن خویش، معنا و مفهوم نظم و
انضباط را در قالب پرورش ایشان آموختم و این نظم در فراخور
هستی‌ام، مرا به یکپارچگی با علم وجود فرا می‌خواند و چه زیباست که
امروز حاصل دستاوردهای خویش و نوشته‌ام مبنی بر انضباط اجتماعی
را تقدیم به دو فرشته‌ای می‌کنم که گام‌های مرا مملو با نظم، عشق و
ایمان پرورش داده‌اند.

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه و کلیات
۲۸.....	تعریف و اصطلاحات

فصل اول

آشنایی با انضباط اجتماعی از ابعاد گوناگون

مبحث اول

۳۳.....	انضباط اجتماعی از دیدگاه قرآن
---------	-------------------------------

مبحث دوم

۴۲.....	انضباط اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی
۴۲.....	تعریف انضباط اجتماعی
۴۵.....	دیدگاه‌های نظری موجود

مبحث سوم

۵۰.....	آثار و نتایج انضباط اجتماعی در جامعه
۵۰.....	اثرات شخصیتی
۵۱.....	اثرات فرهنگی
۵۱.....	اثرات حقوقی
۵۲.....	اثرات جمعیتی
۵۲.....	اثرات اجتماعی

مبحث چهارم

۵۳.....	انسان موجودی اجتماعی است
۵۴.....	سنخ‌شناسی نظم
۵۶.....	فرهنگ‌پذیری

فصل دوم انضباط فردی مبنای انضباط اجتماعی

مبحث اول

- ۵۹..... تعریف روان‌شناسی اجتماعی
۶۰..... هم‌رنگی با اجتماع چیست؟
۶۰..... انواع پاسخ به نفوذ اجتماعی
۶۲..... کاهش ناهماهنگی و رفتار بخردانه

مبحث دوم

- ۶۳..... استفاده از برهان خلف در اثبات موضوع
۶۳..... کجروی اجتماعی
۶۶..... تئوری بی‌هنجاری
۶۸..... جنبه‌های اجتماعی بی‌نظمیهای روانی
۶۹..... انحراف و بی‌سازمانی اجتماعی
۷۰..... نسبی بودن انحراف
۷۱..... قانون و تعارض نقشها
۷۲..... قانون و انحرافات اجتماعی
۷۴..... تأثیر و نقش قوانین و مقررات در نظم سازمانهای اجتماعی
۷۵..... شناخت مسائل، مشکلات و درمان آنها

فصل سوم شیوه‌های تحقق انضباط اجتماعی

مبحث اول

- ۷۹..... شعور اجتماعی
۸۰..... Sociability اجتماعی شدن
۸۳..... جامعه‌پذیری
۸۳..... مبنای واکنش اجتماعی

مبحث دوم

۸۶	قانونمندی جامعه
۸۹	اسلام و قانونمندی اجتماعی
۹۱	اختیار و مسئولیت انسان
۹۲	سنت همبستگی دگرگونی اجتماعی با تغییر درونی افراد

مبحث سوم

۹۴	تأثیر کنش اجتماعی و خرده سیستمهای نظام کنش اجتماعی
۹۴	تأثیر کنش متقابل اجتماعی
۹۴	تکثر کنش متقابل
۹۵	دو تعریف از کنش متقابل
۹۷	امکانات استفاده از وسایل غیرقانونی
۹۷	نظریه کنش متقابل
۹۸	زمینه‌های کنش اجتماعی
۹۹	نظام فرهنگی
۹۹	نظام اجتماعی
۱۰۰	نظام شخصیت
۱۰۱	نظام ارگان‌سیسمهای رفتاری
۱۰۲	اجتماعی شدن

فصل چهارم

بررسی علل وقوع بی‌انضباطی‌های اجتماعی

مبحث اول

۱۱۱	دیدگاههای مختلف در رابطه با علل کجروی
۱۱۳	انحراف اجتماعی از دیدگاه قانون و سازگاری اجتماعی
۱۱۵	نهادی شدن انحراف
۱۱۶	انحرافات اخلاقی (پیسکوپاتی)

مبحث دوم

۱۱۸.....	تعصب و رابطه آن با انضباط اجتماعی
۱۱۸.....	خصوصیات تعصب
۱۱۹.....	عواقب بی‌مه‌ری و مخاطرات بی‌تفاوتی عاطفی
۱۲۰.....	کنش خانواده
۱۲۱.....	خودخواهی و استبداد در انضباط و تربیت فرزندان
۱۲۱.....	بی‌تفاوتی و بی‌توجهی پدران و مادران در انضباط و تربیت فرزندان
۱۲۲.....	تربیت فرزندان
۱۲۳.....	عدم اهمیت تربیتی
۱۲۴.....	تأثیر مسکن
۱۲۴.....	طبع مسکن

مبحث سوم

۱۲۵.....	نظارت اجتماعی
۱۲۶.....	ساختار هنجارمند
۱۲۷.....	درونی کردن (ملکه ساختن) هنجارها
۱۲۷.....	تعارض هنجارها
۱۲۸.....	نقش، منزلت و نظارت اجتماعی
۱۲۹.....	مصوبات اجتماعی
۱۳۰.....	مکانیسم‌های رسمی و غیررسمی نظارت اجتماعی
۱۳۱.....	اصلاح اجتماعی و نظارت اجتماعی

مبحث چهارم

۱۳۲.....	ارتباط جرم‌شناسی با انضباط اجتماعی
۱۳۳.....	تنبیهات روانشناسی در جرائم و انحرافات
۱۳۴.....	بی‌بندوباری
۱۳۵.....	صورت‌های پرخاشگری

مبحث پنجم

۱۳۷.....	تأثیر وسایل ارتباط جمعی
۱۴۷.....	آسیب یا امنیت؟
۱۴۸.....	نقش مطبوعات جنایی

مبحث ششم

۱۵۳.....	نقش نیروی انتظامی در برقراری انضباط اجتماعی
۱۵۶.....	مسائل بنیادین در روابط پلیس و اجتماع
۱۵۶.....	راه‌حلهای پیشنهادی
۱۶۲.....	نتیجه
۱۶۲.....	شورش

مبحث هفتم

۱۷۰.....	علت سخت‌دلی و قساوت چیست؟
۱۷۰.....	ساده‌ترین راه مبارزه با جرم
۱۷۱.....	ویژگیهای سنن الهی
۱۷۴.....	انسان از دیدگاه قرآن
۱۷۶.....	شخصیت
۱۸۴.....	اختلال شخصیت ضد اجتماعی
۱۹۰.....	مکتب انسان‌ساز
۱۹۱.....	کدام انسان مسئول است
۱۹۲.....	دین، تنها راه هدایت

فصل پنجم

پیشنهادهای

مبحث اول

۱۹۹.....	انضباط اجتماعی پیشگیری از وقوع جرائم
۲۰۲.....	راه درمان و پیشگیری
۲۰۲.....	نوسازی و تربیت مجدد مجرمین
۲۰۴.....	جلوگیری از ارتکاب جرم
۲۰۵.....	نقش مدارس در توسعه انضباط اجتماعی
۲۰۶.....	نقش معلم در انضباط اجتماعی

مبحث دوم

نقش نیایش و نماز ۲۰۸

مبحث سوم

- پیشگیری و ریشه‌یابی جرم از دیدگاه اسلام ۲۱۶
- چرا پارهای از قوانین از اثر می‌افتند؟ ۲۱۶
- تعلیم همگانی و انضباط اجتماعی ۲۱۹
- چند نمونه دینی برای پیشگیری از وقوع جرم ۲۲۱
- چه کسی مرتکب جرم نمی‌شود؟ ۲۲۳
- فرونشاندن خشم از وقوع جرم جلوگیری می‌کند ۲۲۳
- نقش اخلاقی کیفر و سزادهی ۲۲۴
- نقشهای فایده‌گرای کیفر ۲۲۵
- الف) عبرت آموزی و ارعاب‌انگیزی ۲۲۶
- ب) سازگار ساختن مجدد اجتماعی ۲۲۷

مبحث چهارم

- الف) تأیید اقدامات تأمینی و تربیتی در تحقق انضباط اجتماعی ۲۲۹
- ۱- اقدامات تربیتی ۲۲۹
- ۲- اقدامات درمانی ۲۳۰
- ۳- اقدامات امدادی توأم با سرپرستی قانونی ۲۳۰
- ۴- مورد خاص منع اقامت، همراه با تدابیر امدادی ۲۳۱
- ۵- اقدامات پرهیز دهنده (دورکننده) ۲۳۳
- ۶- موارد تعلیق یا ابطال پروانه رانندگی ۲۳۴
- ۷- اقدامات مراقبتی ۲۳۵
- ب) اقدامات تأمینی خنثی‌کننده ۲۳۶
- پ) سایر اقدامات تأمینی ۲۳۶
- هدف سودمندی و ارعاب ۲۴۵
- تأمین امنیت اجتماعی و عدالت ۲۴۵
- منابع و مآخذ ۲۴۷

مقدمه و کلیات

www.ketabo.ir

مقدمه و کلیات

از جمله اصول مهم و اساسی زندگی اجتماعی انسانها رعایت انضباط اجتماعی، انضباط اقتصادی و وجدان کاری است. مقام معظم رهبری در این خصوص در پیام نوروزی خود، در سال ۷۵ و ۷۶ رعایت انضباط اجتماعی را به تمام آحاد ملت و جامعه متذکر گردیدند. از آنجا که یکی از علل اصلی وقوع جرائم، نابسامانیهای اقتصادی - اجتماعی، کجرویها، انحرافات فردی، اجتماعی و بطور کلی آسیبهای اجتماعی بدلیل بی‌نظمی‌های فردی است که این امر نتیجه‌ای جز قانون‌شکنی و پای نهادن بر روی عرف و عادات و آداب رسوم اجتماعی ندارد، می‌توان پیامد این امر را بی‌انضباطی اجتماعی دانست.

بر همین اساس جلب توجه اعضاء جامعه جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی که ریشه در بی‌انضباطی اجتماعی دارد، به عنوان یک تکلیف در حیطه کار مددکاران اجتماعی است. که با مطالعه و تحقیق در این زمینه مانع وقوع بسیاری از آسیب‌های اجتماعی گردند. در این کتاب با بیان تعاریف و جایگاه انضباط اجتماعی و آشنایی با فرهنگ گروه، پرخاشگری، کجروی‌های فردی و اجتماعی، انسان و مسئولیت او، کنشهای اجتماعی و

متقابل و انواع ناهنجاریهای روانی و علل و عواملی که موجب می‌شود تا شخصیت و روان انسانی دست خوش، ناسازگاری و در نهایت بی‌نظمی و بی‌انضباطی شود آشنا می‌گردیم. آنچه که موجب تقویت و ایجاد نظم و انضباط اجتماعی به عنوان یکی از علل بسیار مهم در نوشته حاضر در پیشگیری از وقوع انحرافات می‌گردد به رشته تحریر در آمده تا بدین وسیله بتوان با شناسایی از علل و عوامل مخرب در شخصیت فردی و اجتماعی انسان به مقابله و بهسازی و بازسازی اجتماع نامنظم شود.

ضابطه

ضابطه عبارت است از شکل، الگو و مدل ثبت شده برای هر چیز به عبارت دیگر ضابطه بهنجار و شیوه ثبت شده عمل است. هنجارها عمدتاً بر اراده عمومی و توافق جمع می‌باشند لذا یک فرد به تنهایی معمولاً نمیتواند آنها را تغییر بدهد. انضباط اجتماعی به معنی درونی ساختن بهنجارهای یک گروه یا اجتماع و یا جامعه است که در نتیجه شخص منضبط به نحو خودانگیخته‌ای آنها را رعایت می‌کند. گروهها، اجتماعات و جوامع برای ایجاد انضباط اجتماعی در اشخاص از جریان اجتماعی شدن سود می‌جویند. هنگامی که هنجارها در جریان اجتماعی شدن در افراد درونی می‌شود پابندی به رعایت هنجارها بوجود می‌آید. از این نظر انضباط اجتماعی عبارت است از میزان پابندی افراد به هنجارهای نقش که در حقیقت این هنجارها همان مجموعه بایدها و نبایدهای مربوط به هر نقش می‌باشند.

از سوی دیگر پاسخ فرد به نفوذ اجتماعی بر سه گونه است: متابعت، همانندی و درونی کردن. فقط درونی کردن هنجارهای گروهی به معنی انضباط اجتماعی می‌باشد و به دیگر سخن صرف رعایت هنجارهای گروه دلیل بر انضباط اجتماعی شخص رعایت کننده هنجار نمی‌باشد. البته در یک دوره طولانی و با حالت‌های متعددی از جریان کنترل اجتماعی

مثلاً متابعت و همانندسازی اگر شخص هنجارها را رعایت کند می‌توان به درونی شدن هنجارها در آن شخص و وجود انضباط اجتماعی در آن پی برد و آن را مشخص ساخت. در این شرایط بر اثر گذشت زمان فرایند کنترل اجتماعی مؤثر واقع شده و شخص نسبت به هنجارها پایبند می‌شود و دیگر نه بخاطر وجود کنترل اجتماعی بلکه به علت درونی کردن، به رعایت هنجارها می‌پردازد. نکته دیگر این است که هنجارها به دو دسته عام و اختصاصی برای یک موقعیت اجتماعی (نقش اجتماعی) تقسیم می‌شود. انضباط اجتماعی افراد نسبت به نقشهای مختلف می‌تواند گوناگون باشد و باید جداگانه بررسی شود. یعنی در هر تحقیق باید یکی از این حیطه‌ها به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

انضباط اجتماعی

بررسی واژه «انضباط اجتماعی» را از دیدگاه لغوی و جامعه‌شناسی آن شروع

می‌کنیم.

دیدگاه لغوی

«انضباط» در لغتنامه دهخدا به معنای سازمان گرفتن، بانوا شدن، خوب نگهداشته شدن، نظم داشتن، پیوستگی و مطبوعی نظم و انضباط و ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج، سازمان پذیری و آراستگی و به اصطلاح نظامی پیروی کامل از دستورهای نظامی و مقابل بی‌انضباطی و در اصطلاح آموزش و پرورش، پیروی از مقررات مدرسه می‌باشد.

بی‌انضباط: آنکه از مقررات پیروی نمی‌کند، نابسامان. انضباط داشتن: منظم بودن و انتظام داشتن و درستی در کار داشتن است. در فرهنگ لاروس به معنای پیروی کامل از انتظامات و دستورات و مقررات است. از نظر لغوی به معنای «منسوب به اجتماع، مقابل فردی، کاری که به اجتماع و به همگان بستگی داشته باشد، آنچه که مربوط به گروهی باشد

که با هم زندگی میکنند». است. با توجه به معنای فوق می‌توانیم بگوییم که از نقطه نظر لغوی انضباط اجتماعی عبارتست از پیروی کامل از انتظارات و دستورات و مقررات جمعی و گروهی و یا به تعبیر دیگر اطاعت از مقررات همگانی و به عبارت دیگر انضباط اجتماعی از بین دیدگاه به معنای انتظام و اطاعت می‌باشد. لازم به ذکر است که بر این اساس تعریف انضباط اجتماعی برابر با تعریف نظم اجتماعی (Social Order) می‌باشد و در جامعه‌شناسی نظم اجتماعی به معنی اطاعت تمام اعضاء یک جامعه از هنجارها و ارزشها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند.

دیدگاه جامعه‌شناسی

برای پی‌بردن به معنای «انضباط اجتماعی» از دیدگاه «علوم جامعه‌شناسی» ابتدا لازم است اصطلاحات چندی مانند نهادمندی، هنجار، اجتماعی شدن، کنترل اجتماعی، درونی کردن، همنوایی، همسازی، سازگاری و انطباق تعریف شود. از کنار هم قرار دادن این مفاهیم و برقراری رابطه بین آنها سعی شده است تا انضباط اجتماعی را تعریف کرده و تفاوت آنها را با نظم اجتماعی بیان کنیم.

قبل از تعریف کردن مفاهیم فوق باید متذکر شد، که این واژه‌ها در قالب دو دسته مفاهیم قرار می‌گیرد و بر اساس یک دسته از این مفاهیم به تعریف نظم و براساس دسته دیگری از این مفاهیم به تعریف انضباط اجتماعی می‌پردازیم. مفهوم درونی کردن مربوط به انضباط اجتماعی و مفاهیم همنوایی یا همسازی، سازگاری، انطباق و کنترل اجتماعی مربوط به نظم اجتماعی می‌باشند. مفاهیم نهادمندی و اجتماعی شدن مربوط به هر دو آنها می‌شود.

۱. نهادمندی (Social Order)

اعضای هر جامعه در صورتی که با شیوه ها و الگوهای عمل حساب شده و پیش‌بینی پذیر رفتار کنند آن جامعه دارای عملکرد مثبت و درست می‌باشد. بقای جامعه مستلزم آن است که اعضای آن جامعه با یکدیگر همکاری و مساعدت کنند برای نایل شدن به این مسئله باید اعضای جامعه هنجارهای مرتبط با هر نقش را شناخته و به آنها جامع عمل ببوشانند. یک دسته هنجارها طی فرایند نهادمندی تحقق می‌پذیرند « نهادمندی » به فراگردی اطلاق می‌شود که از طریق آن نظام با قاعده‌ای از هنجارها (موقعیت‌ها) منزلتها و نقشها به هم پیوسته و مورد پذیرش یک جامعه شکل می‌گیرد. و از طریق این فراگرد رفتار خودجوش و پیش‌بینی ناپذیر جایش را به رفتار منظم و پیش‌بینی‌پذیر می‌دهد. دلیل نیاز به این فرایند آن است که جامعه در یک زمان معینی یکسری از هنجارها را برای بقای خود ضروری و لازم در نظر می‌گیرد. نهادمندی زمانی تحقق می‌یابد که یک جامعه تشخیص دهد که رشته خاصی از ارزشها، هنجارها و نقشها برای بقایش چندان اهمیت دارند که اعضاء جامعه باید آنها را رعایت کنند جامعه می‌تواند باتصویب مقرراتی رفتار اعضایش را نهادمند سازد بدین ترتیب نظامی از مجازاتها و پاداشها را به‌رواند و از طریق آن اعضایش را به پیروی از ارزشها، هنجارها و نقشهای جامعه تشویق کند. فرایند نهادمندی بر پایه هنجارها استوار می‌باشد که اینک به بررسی آن پرداخته می‌شود.

هنجار (Norm)

انسان برای اینکه به عنوان عضوی از اعضای یک جامعه پذیرفته شود لازم است رفتار خود را با اعضای آن جامعه هماهنگ سازد از اینرو او باید از الگوهای عمل و رفتار مسلط در آن جامعه پیروی کند الگوهای عمل و هنجارها رفتارهایی را که افراد در موقعیت‌های مختلف برای القای آن موقعیت ملزم به رعایت آن هستند، مشخص می‌کنند به

عبارت دیگر هنجارهای اجتماعی شیوه و روش مورد توافق برای انجام یک عمل می باشد. الگوهای رفتاری را چون هم شکلی در عمل و در فکر که منظمأ در میان کثرتی از اشخاص تکرار می شود تعریف می کنیم و الگوی رفتاری کوچکترین واحد نقشها، نهادها و فرهنگ است. رفتار انتزاعی استاندارد شده و نظم یافته اینست که در یک جامعه برای تشخیص این که چه رفتاری پذیرفته و چه رفتاری پذیرفته نیست به عنوان الگو و میزان کار بکار می رود. همچنین هنجارهای اجتماعی در دایرة المعارف علوم اجتماعی به این صورت بیان شده است « هنجار اجتماعی، شیوه های رفتار، عمل یا اندیشه که در جامعه ای پذیرفته شده و انطباق با آنان با فرایند اجتماعی شدن فرد تحقق می پذیرد. عدم رعایت هنجارها موجبات بروز واکنشهایی همچون تعجب و یا الزام اجتماعی را فراهم می سازد.

با توجه به تعریف هنجار می توان گفت حوزه مطالعات اجتماعی بر محور « رفتارهای اجتماعی » استوار می شود و در نتیجه « جامعه شناس » به هر رفتاری که از انسان سر بزند توجه نمی کند او به مطالعه رفتارهایی که میان عده زیادی از اشخاص عام و مشترک است لذا اجتماعی است می پردازد. عاداتهای شخصی افراد موضوع مطالعه جامعه شناسی نیستند. الگوی رفتارهای کلی و عمومی (Normothic) موضوع مطالعه جامعه شناسی هستند، نه الگو رفتار شخصی - انفرادی (Idiosynratil). جامعه شناس با مطالعه الگوهای رفتار کلی و عمومی است که می تواند به تعمیم های علمی دست بزند و قواعد و قوانین رفتار اجتماعی را کشف کند و حتی درباره آن به پیش بینی هایی بپردازد.

کارکرد عمده هنجار این است که هنجارها تعیین کننده رفتارهای اعضا جوامع در شرایط و وضعیت های معین هستند که چگونه باید رفتار کنند و همچنین « هنجارها » تضمین می کنند که زندگی اجتماعی بطور یکنواخت جریان یابد زیرا آنها رهنمودهایی برای

رفتار خودمان و انتظار اطمینان بخشی از رفتار دیگران به ما می‌دهند این کارکرد هنجارها آنچنان مهم است که همواره فشار اجتماعی نیرومندی بر مردم جهت انطباق و هم‌نوايي با هنجارها بوجود می‌آورد. لیکن اگر چه اکثر ما در بسیاری اوقات یا اکثر هنجارها هم‌نوا می‌شویم ولی همه ما بطور اتفاقی به نقض برخی هنجارها گرایش داریم.

هنجارهای مربوط به هر عمل اجتماعی براساس شیوه وضع و شکل گرفتن آنها به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته هنجارهای نهاده یا تصویب شده هستند که به صورت آگاهانه وضع شده‌اند و دسته دیگر هنجارهای نانهاده و یا غیرمصوب می‌باشند. هنجارهای نهاده آنهایی هستند که با آگاهی از نهادهای مهم اجتماعی مخصوصاً نهادهای حکومتی و دینی ناشی شده‌اند و هنجارهای نانهاده غیرمصوب آنهایی هستند که خود به خود در جریان زمان، از زندگی اجتماعی برخاسته‌اند. قوانین و مقررات اجتماعی و میثاق‌های اجتماعی و آداب اجتماعی و شئائر اجتماعی اساساً در شمار هنجارهای نانهاده هستند.

هنجارهای مصوب و غیرمصوب را می‌توان در قالب هنجارهای تخطیری و تجویزی قرار داد. هنجارهای تخطیری یا اجتنابی (proscribed Norms) هنجارهایی هستند که مشخص کننده کارها و اعمالی است که شخص صاحب یک موقعیت خاص نباید آنرا انجام دهد و هنجارهای تجویزی یا ارتکابی (proscribed Norms) هنجارهایی هستند که آن شخص باید آنها را در آن موقعیت انجام بدهد. هنجارهای تخطیری کاری را که شخص نباید بکند مشخص می‌سازد. برای نمونه به فرد گفته می‌شود که نباید به دزدی و آدم کشی دست زند. هنجارهای تجویزی رفتارهایی را مشخص می‌کند که از شخص در موقعیتهای اجتماعی معین انتظار می‌رود. برای مثال از فرد انتظار می‌رود که به موقع سر قرار حاضر شود. لباسهای مناسب بپوشد و از مقررات رانندگی پیروی کند.

هنجارهای اجتماعی دارای ویژگیهای متعددی می‌باشند از جمله اینکه آنها در میان تعداد زیادی از اعضای جامعه به صورت مشترک وجود دارند. دارای فراوانی و عمومیت در بین افراد می‌باشند، دارای قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری هستند و سر انجام اینکه آنها دربرگیرنده معانی اجتماعی می‌باشند و اعضاء جامعه از طرق فرایندهای مختلف اجتماعی می‌توانند هنجارهای اجتماعی را فرا گرفته و به آنها عمل کنند. از جمله این فرایندها می‌توان به فرایند اجتماعی شدن و فرایند همنوایی اشاره کرد که ابتدا به بررسی فرایند اجتماعی شدن می‌پردازیم.

۲. اجتماعی شدن (Socialization)

پس از آنکه جامعه یک مجموعه مقررات، هنجارها و الگوهای عمل برای رفتار اعضایش تعیین نمود، انسانها بدلیل اینکه عضوی از اعضای این جامعه به شمار می‌روند لازم است بدنبال فراگیری و آموختن آنها برآیند.

افراد بوسیله فرایند اجتماعی شدن می‌توانند هنجارها و ضابطه‌ها و مقررات را بدست آورند. اجتماعی شدن فراگردی است که انسانها می‌توانند از طریق آن شیوه زندگی جامعه شان را یاد بگیرند. شخصیت و منزلتی را کسب می‌کنند و آمادگی عملکرد به عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند و از همین سنین کودکی بجه از دیگران یاد می‌گیرد که چه رفتاری از او انتظار می‌رود و او دارای چه شخصیتی است.

درونی کردن (Persuasive Control)

درونی کردن فرایندی است که افراد طی آن هنجارهایی که از طریق فرایند اجتماعی شدن فراگرفته جذب کرده و کانون اصلی شخصیت خود را شکل می‌دهند و علاوه بر آن فرایند درونی سازی می‌تواند به افزایش قوام اجتماعی و کاهش نیازمندی به نیروی

اجرایی برای الزام به انجام رعایت هنجارهای اجتماعی کمک کند بوسیله فرایند اجتماعی شدن، شناخت هنجارها، ارزشهای محیط و پس از آنکه از خارج بر فرد تحمیل می‌شود به تدریج درونی می‌شود تا بدل به عقل و منطق و وجدان هر کس نشود.

افراد به کمک فرایند درونی کردن به طور ذهنی با نقش و هنجارهای مربوط به آن نقش عجین شده و آنها را در عمل به انجام می‌رسانند. پاسخ به نفوذ اجتماعی دارای اقسامی است که مهمترین آنها درونی کردن است. متابعت (Compliance) و همانندسازی (Indentification) بیشتر از دیگر پاسخها به نفوذ اجتماعی می‌باشد در اینجا برای بهتر روشن شدن مفهوم درونی کردن ابتدا به تعریف متابعت و همانندسازی می‌پردازیم « متابعت» این اصطلاح به بهترین وجه رفتار فردی را توصیف می‌کند که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه برانگیخته شده باشد. معمولاً این رفتار تا هنگامی دوام دارد که وعده پاداش یا تحدید و یا تنبیه موجود باشد. همانندسازی این پاسخ به نفوذ اجتماعی مبتنی بر آرزوهای شخصی برای همانندشدن یا شخصیتی صاحب نفوذ است. در همانندسازی همانند متابعت رفتار فرد ناشی از رضایت درونی نیست بلکه به این منظور است که برای وی رابطه‌ای رضایت بخش با شخص یا اشخاص که مایل است با آنها همانند شود ایجاد کند.

تفاوت همانندسازی با متابعت در این است که در همانندسازی فرد به عقاید و ارزشهایی که پیدا کرده است اعتقاد پیدا می‌کند، هر چند این اعتقاد خیلی استوار و پابرجا نیست. پس اگر فرد شخص یا گروهی را پسندید و جالب بیابد این تمایل در او پدید می‌آید که نفوذ آن شخص یا گروه را بپذیرد و ارزشها و نگرشهای خود را با ارزش و نگرش‌های آن شخص یا گروه همانند سازد. این عمل به خاطر کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه نیست بلکه برای این است که همانند آن شخص بشود.

درونی کردن: درونی کردن یک ارزش یا یک اعتقاد به عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. انگیزه درونی کردن اعتقاد خاصی مبتنی بر این تمایل است که می‌خواهیم رفتار و افکارمان درست و صحیح باشد. بنابراین قبول آن اعتقاد پاداشی درونی دارد. اگر شخص صاحب نفوذ مورد اعتماد ما باشد و قضاوتش را معتبر بدانیم، عقیده‌ایی که وی از آن جانبداری می‌کند می‌پذیریم و در نظام ارزشهای خود ادغام می‌کنیم اما پس از اینکه این عقیده در سلک نظام عقیدتی خود ما درآمد از منبع خود مستقل می‌شود و در مقابل تغییر به سختی مقاومت می‌کند.

هر عمل اجتماعی می‌تواند در قالب سه مفهوم متابعت، همانند سازی و درونی کردن قرار بگیرد باید دانست که یک عمل ممکن است به علت هر یک از سه نوع پاسخ به نفوذ اجتماعی انجام بگیرد. برای مثال هنگامی که به مردم گفته می‌شود که پلیس راه بخش معینی از جاده را زیر نظر دارد، آهسته‌تر می‌رانند این رفتار نمایشگر متابعت است. در اینجا مردم از قانون اطاعت می‌کنند تا از پرداخت جریمه احتراز جویند.

اگر پلیس راه را بردارند و مردم نیز این موضوع را بدانند بسیاری از آنها از اطاعت قانون حداکثر سرعت سر باز می‌زنند، اما برخی به اطاعت از این قانون ادامه می‌دهند که همواره مردمانی از قانون اطاعت کرده و یا آنها را نصیحت کرده است که این کار را نکنند. این رفتار همانندسازی است بالاخره شخص ممکن است قانون حداکثر سرعت را بدان جهت رعایت کند که قانع شده است قوانین سرعت خوب و درست هستند، رعایت چنین قوانینی در جلوگیری از تصادفات کمک می‌کند و رانندگی با سرعت متوسط رفتاری خردمندانه و معقول است این درونی کردن است. درونی کردن با انعطاف پذیری بیشتری در رفتار همراه است. مثلاً تحت شرایط ویژه در ساعت ۶ بامداد روزی روشن که قدرت دید زیاد است و تا فرسنگها

اثری از وسایل نقلیه نیست شخص ممکن است سریع تر از حداکثر سرعت براند ولی فرد متابعت کننده ممکن است از وجود را دار بترسد و شخص همانندی کننده نیز ممکن است با نمونه انعطاف پذیر همانند شده باشد و هر دو اینها کمتر در مقابل تغییرات مهم محیط از خود حساسیت نشان می دهند.

در صورتی که فرد بصورت مطلوب و صحیح الگوها و ضابطه های مربوط به موقعیتهای مختلف را در جریان فرایند اجتماعی شدن کسب کند می تواند با درونی ساختن هنجارها و ضابطه های آن موقعیت، آنها را بصورت خود انگیزه و خود جوش رعایت کند و آدمها در نتیجه یک فراگرد موفق اجتماعی هنجارهای یک فرهنگ را ملکه ذهنشان می سازند. وقتی هنجارها ملکه ذهن فرد می شوند او دیگر درباره درستی یا نادرستی یا شایستگی و نا شایستگی هنجارها تردیدی روا نمی دارد در این صورت شخص به صورت خود به خود از هنجارها پیروی می کند دیگران چه ناظر رفتارشان باشند یا نباشند بر اثر درون ذهنی شدن چون وجدان و نه از ترس غافلگیر شدن در حسن انجام رفتار ناشایست به هواداری از هنجارهای جا افتاده برانگیزه می شود و از طریق فراگرد درون ذهنی شدن هنجارها بیشتر نظارتهای اجتماعی بر روی افراد، از درون آن اعمال می شوند.

همنوایی (Conformity)

افراد به وسیله فرایند همنوایی نیز می توانند هنجارها را فرا بگیرند همنوایی فرایندی است روانی - اجتماعی که از طریق آن شخص همان طرز تلقیها، همان کردارها، همان عادات و آداب زندگی و اندیشه را می پذیرد که افراد مسلط در محیط اجتماعی پیرامونش پذیرفته اند و از همین طریق است که انسان از عقاید پذیرفته و عادات جا افتاده تبعیت می کند. هنجارها و مدل های رفتاری غالب موجبات بروز همنوایی را فراهم می

سازد. کنترل اجتماعی نیز که در جهت رعایت ارزشهای یکسان و رفتار مشابه توسط همگان اعمال می‌شود خود عامل مهمی در ایجاد همنوایی است.

در جامعه شناسی بررسی همنوایی فرد با الگوها و هنجارهای اجتماعی به دو شیوه اشاره شده است دانشمندان علوم اجتماعی در این زمینه معتقدند همنوایی دو جنبه دارد: مجاب شدن یا همنوایی عمیق (Conriction) و اجابت کردن یا همنوایی سطحی (Compliance). همنوایی سطحی شخص را بر آن می‌دارد که فقط به قصد حفظ ظاهر در رعایت هنجارها بکوشد ولی همنوایی عمیق فرد را به قبول باطنی هنجارها بر می‌انگیزد. جامعه پذیری وقتی تام و تمام است که فرد به درونی کردن هنجارهای اجتماعی بپردازد و این هم در صورتی امکان می‌یابد که بین فرد و جامعه وفاق کافی برقرار باشد.

هماندسازی (Accomodation):

در تعریف همسازی بیان شده است. از نقطه نظر جامعه شناسی، همسازی اجتماعی فرایندی است آگاهانه یا نا آگاهانه در جهت دگرگونی اشکال موجود روابط بین اشخاص یا گروهها به منظور اجتناب از تنشها یا کشمکشها، یا کاستن از شدت یا حتی امحای آنان؛ همسازی اجتماعی در جهت برانگیختن سازگاری متقابل و ایجاد همزیستی اجتماعی به صورت صلح آمیز پدید می‌آید.

سازگاری (Adjustment)

عده ای معتقدند، سازگاری اجتماعی صورت کامل همسازی است به کوشش هایی که اعضاء جامعه عمداً برای ایجاد تعالی بین خود و جامعه مبذول می‌دارند و نیز به تعالی که حاصل چنین کوششی است اطلاق می‌شود. سازگاری همسازی است که با خواست و آگاهی شخص صورت می‌گیرد.

نقطه عطف سازگاری برقراری رابطه صحیح فرد با محیط اجتماعی است، سازگاری با محیط تطابق یک شی با هدف که برای او پدید آمده در ارتباط است و بدین قرار سازگاری یک فرد به همان نسبت کامل، متناسب و سالم است که مناسباتی شایسته بین او و شرایط و اوضاع و اشخاصی که محیط جسمانی و اجتماعی او را تشکیل می‌دهند پدید آمده باشد. همچنین گفته شده است، در روانشناسی سازگاری فرایندی کم و بیش آگاهانه است که بر پایه آن موجودی با محیط طبیعی اجتماعی یا فرهنگی انطباق می‌یابد و این انطباق مستلزم آن است که تغییراتی در رفتار شخص پدید آیند تا به توافق و ایجاد روابطی و هماهنگی با آن محیط نایل شود. در جامعه‌شناسی این اصطلاح تا حدودی دو پهلوی مهم است. سازگاری اجتماعی می‌تواند به فرایندی اطلاق شود که بر پایه آن روابط اجتماعی هماهنگی می‌یابند و از آن حیات گروهی منتفع می‌شود در عین حال سازگاری اجتماعی می‌تواند به معنای همسازی یک جزء (افراد، گروه‌ها) با محیطی باشد که بر آن اثر می‌نهد. در این معنی، سازگاری اجتماعی با مفاهیمی چون انطباق یا همنوایی یا هم‌نوایی نزدیک می‌شوند و بالاخره از جانب دیگر سازگاری می‌تواند بعد دستوری یابد در این معنی در برابر مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری که در محیطی غلط به نظر می‌رسند از آن بر می‌آید.

همچنین بیان شده است آنچه که برای انسان ضرورت دارد، سازگاری اجتماعی است به این معنی که باید با عمد و وقوف رفتار خود را با فرهنگ جامعه سازگار کند، انسانی که با فرهنگ جامعه خود سازگار باشد به سهولت زندگی خواهد کرد و جامعه‌ای که از سازگاری برخوردار باشد همواره از انطباق خود بر طبیعت بی‌نیاز تر خواهد شد. اعضای جامعه برای دست یافتن به سازگاری مطلوب لازم است اصولی را که به واسطه دانشمندان علوم اجتماعی مطرح شده است بکار گیرند. این اصول که عبارت از تعامل، همسازی و تشریک مساعی می‌باشد به شرح زیر بیان شده است:

سازگاری اجتماعی فرایندی است متقابل یا مبتنی بر کنش و واکنش است. سازگاری اجتماعی لزوماً مبتنی بر همسازی است بدین سان موجبات استقرار مناسباتی پایا و مورد قبول طرفین را فراهم سازد. سازگاری اجتماعی مشارک (Association) یا مبتنی بر هم پیوندیست.

۳. انطباق

انطباق را میتوان به معنای رابطه یک فرد یا گروه و یا نهاد در نظر گرفت که موجب می شود تا امکان زندگی را در آن محیط بدست آورد از اینرو دانشمندان علوم اجتماعی از جمله پیازه انطباق را تعادل در همسازی و در همانند گردی می داند از دیدگاه اجتماعی انطباق فرایندی است که سرمایه آن شخص یا گروه توان ادامه حیات در محیطی خاص را می یابد و انطباق اجتماعی اشکال گوناگون را می توان در نظر گرفت.

الف: انطباق از طریق هماهنگی با محیط طبیعی و شرایط مادی هستی

ب: انطباق از طریق انقیاد در برابر شرایط و اشکال و صور حیات در جامعه به هنگام پیدایی زمینه نو (همسازی)

ج: انطباق از طریق پذیرش هنجارهای رفتاری و یا لااقل برخی از ارزشها تمدن یا فرهنگی دیگر که ملزوم به زندگی در درون آن شده ایم (فرهنگ پذیری) پس از پایان یافتن تعریف مفاهیم مذکور اینک به تعریف و مکانیسمی که منجر به شکل گیری نظم اجتماعی و انضباط اجتماعی شده است پرداخته می شود.

کنترل اجتماعی

هر جامعه لازم است یک نظام کنترل اجتماعی (Social Control) داشته باشد، یعنی مجموعه ای از وسایل برای تضمین این که مردم عموماً به شیوه های مورد تایید

و انتظار رفتار نمایند. برخی از کنترل‌های اجتماعی بر روی فرد توسط دیگران قابل اجرا است چه بطور رسمی، چه از طریق کار گزارانی مانند پلیس و کارآگاهان دولتی، و چه بطور غیر رسمی، از طریق واکنش سایر مردم در جریان زندگی روزمره. همه هنجارها، چه آنهاکه به صورت قانون درآمده اند یا نه، توسط احکام (Sonction)، یعنی پاداش به خاطر هم‌نواپی و مجازات به خاطر عدم هم‌نواپی، پشتیبانی می‌شوند. احکام مثبت ممکن است از تکان دادن سر به نشانه تأیید تا تشریفات تشویق در انظار عموم را شامل گردد. احکام منفی نیز ممکن است از عدم تأیید ملایم تا زندانی شدن یا حتی اعدام را در بر گیرد. فقط بخش کوچکی از رفتار اجتماعی را می‌توان از طریق کارگزاران رسمی کنترل نمود و اغلب احکام بطور غیر رسمی توسط مردم مانند همسایگان، اعضای خانواده، همکاران و دوستان به مورد اجرا گذاشته می‌شود. البته اکثر کنترل‌های اجتماعی لازم نیست از طریق تاثیر و نفوذ مستقیم سایر مردم به اجرا گذارده شود بلکه ما خود بطور درونی آنها را اجرا می‌کنیم. بزرگ شدن در جامعه خود مستلزم درونی کردن هنجارها (Internalization Of Norms) است، یعنی فرآیند ناخودآگاهی که هم‌نواپی یا هنجارهای فرهنگی را به صورت بخشی از شخصیت فرد در می‌آورد. ما نیز مانند رؤسای قبایل تاهیتی و سایر مردم در روی زمین به شیوه‌هایی فکر و عمل می‌کنیم که تا حد زیادی توسط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم شکل یافته است، اگر چه ما بندرت از این واقعیت با خبریم، رفتار ما بدین دلیل چنان است که هست، زیرا «مردم چنین می‌کنند».

تعریف اصطلاحات

انضباط اجتماعی: عمل درونی است که هر کدام از عناصر واحدهای موجود در جامعه بطور منظم از طریق ارتباط مداوم و منطقی که با یکدیگر و با کل نظام اجتماعی دارند در داخل شبکه، ای گسترده و منسجمی قرار گرفته و کارکرد های خود را به نفع مردم و جامعه انجام دهند.

اجتماعی شدن (Sociality): فراگردی است که انسان از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه‌شان را یاد می‌گیرد و شخصیتی کسب می‌کند و آمادگی عمل کردن بعنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کند. (درآمدی به جامعه‌شناسی، ۱۳۷۲)

ارتباط (Communication): ایجاد آواز قابل تجربه برای دیگران به قصد انتقال معانی (جامعه‌شناسی ۲ نظام جدید)

ارزش (Value): به اموری که برای فرد مهم تلقی میشوند و افراد از تحقق آن احساس خشنودی و جهت‌گیری یکسانی پیدا می‌کنند.

انحراف (Devation): هر جریانی که خلاف قانونمندی و انتظار مطلوب جامعه باشد را انحراف گویند. (شخصیتی، ۱۳۷۳)

بی‌هنجاری (Anomic): وضعیت مغشوش و از هم گسیخته جامعه که هنجارها را از بین برده و یا در تضاد قرار داده باشد. (فتادان ۱۳۷۶)

جرم (Crime): عملی که طبق قانون برای آن جزاء تعیین کرده باشد (نودهی مقدمه ۱۳۷۳)

جامعه‌پذیری (Socialization): جریان تدریجی تربیت اجتماعی و یادگیری راه و رسم جامعه فراگرفتن ارزشها و هنجارها ایفای نقشهای گوناگون و چگونگی تبعیت از نهادهای اجتماعی است. (جامعه‌شناسی سوم متوسطه نظام قدیم)

خرده فرهنگ (Subculture): گروهی که در فرهنگ کلی جامعه سهیمند وی در عین حال دارای ارزشهای مشخص هنجارها و شیوه‌های زندگی خاص خود نیز باشند. (قنادان، ۱۳۷۶)

رفتار جمعی (Colective control): زمانی که شیوه‌های عمل سنتی و رسمی دیگر کافی نباشند و رفتار جمعی با الگوهای بدون ساختار خود انگیزه و عاطفی و پیش‌بینی‌ناپذیر مشخص می‌شود.

درونی شدن ارزشها (Rersuasive Cotrol): اموری که برای فرد دارای ارزش نیست و فرد به آن تمایلی ندارد.

ساخت (Structure): مجموعه اعضای به هم پیوسته یک کل را گویند. (قنادان، ۱۳۷۶)

سازمان اجتماعی (Social Organization): رفتاری معمولی و جمعی است که بر مبنای برخی الگوها اندیشده شده و تعیین شده و از قبل منظم شده‌اند و ساخت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا گروه اجتماعی دارای نظام اجتماعی را سازمان اجتماعی می‌گویند. (ثلاث، ۱۳۷۲)

کارکرد (Function): به نتایج و آثار عینی ساختها و نهادها گویند. (قنادان، ۱۳۷۶)

کنترل اجتماعی (Social Control): مکانیسم‌های اجتماعی و مؤثر که به ابزار و وسایلی اطلاق می‌گردد که جامعه برای ایجاد هم‌نواپی در بین اعضای خود و جلوگیری از هنجارشکنی و کنترل رفتار آنان را بکار می‌گیرد. (جامعه‌شناسی سال سوم متوسطه، نظام قدیم)

فرهنگ (Calture): مجموع ویژگیهای رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه است.

نقش (Role): مجموعه دستورالعمل‌ها و هنجارهای مخصوص یک موقعیت اجتماعی را گویند. (اورعی، ۱۳۷۵)

نظام اجتماعی (Social system): مجموعه افراد حقیقی و حقوقی را شامل می‌شود که با یکدیگر کنش و در هم آمیختگی دارند.

نظارت اجتماعی (Social control): به وسایل و روشهای کنترل و نظارتی اطلاق میگردد.

نظم اجتماعی (Social order): اطاعت تمام اعضای یک جامعه از هنجارها و ارزشها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهد. (آلن بیرو، ۱۳۷۰)